

مبارزه در لرستان



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
بهمن ۱۳۵۷ / لرستان

دربخورد با ویژگی های ملی، بومی و قومی با مطالعه مناسبات تولیدی و روابط اجتماعی، با توجه به تاکتیک هایی که خود توده ها در پراتیک مبارزاتی خویش به کار می گیرند و تمایلات و روحیات خاص آنها و سطح مبارزاتی شان می توان و باید به پیشبرد برنامه سیاسی - استراتژیک انقلاب در سراسر ایران همت گماشت. با ارائه رهنمودهای مشخص به نیروهای مشخص باید در جهت ارتقا و گسترش مبارزات نیروهای اجتماعی مختلف عمل کرد. این جزوه که نگاه کوتاهی است به مبارزه در لرستان ضمن این که پاسخگوی یک رشته از مسایل کنونی جنبش در این منطقه است می تواند راهنمای سایر نیروها در مناطق دیگر برای تحلیل و ارزیابی موقعیت ها و سمت گیری ها قرار گیرد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سوم بهمن ۱۳۵۷ - لرستان

مقدمه:

اعتلای انقلابی یکساله اخیر که بیانگر مرحله تغییر کیفی حرکات خودانگیخته توده های خلق است به شکل آشکاری نیازها، مسائل و نواقص جنبش را نشان داده و ضرورت حل این مسائل را بویژه برای سازمان های پیشرو مطرح نمود. در راس این نیازها مسئله سازماندهی و برقراری رابطه ارگانیک با توده های خلق، بویژه طبقه کارگر قرار دارد. جمع بندی اشکال مختلف حرکات توده مردم در شرایط فعلی و شناخت شیوه ها و مکانیزم و قوانین حاکم بر تحول آنها از سوئی خود ناشی از ضرورت های مرحله ای جنبش بوده و از طرف دیگر گامی اساسی جهت تحقق وظیفه مرحله ای جنبش یعنی مسئله سازماندهی و ایجاد تشکیلات تلقی می گردد. بدون شک دست زدن به چنین امر مهمی آن هم در سطحی گسترده به گونه ای که دربرگیرنده باشد کاری بس سترگ است که تنها به شرط شرکت فعال در چنین حرکتی انجام آن میسر خواهد بود. ولی چنین واقعیتی نمی بایستی مانع از پرداختن به این امر در سطوح محدود و خاص یعنی جمع بندی تجارب مبارزاتی و انقلابی در محدوده جغرافیایی معین فی المثل لرستان باشد. بالعکس با توجه به سه علت زیرین، امری ضروری و اساسا وظیفه عناصر، محافل و سازمان های مارکسیستی - لنینیستی می باشد:

- ۱- جمع بندی این تجارب که قطعا دربرگیرنده نکات مثبت و منفی و چگونگی تحول مبارزات صنفی سیاسی و درک دینامیسم و قانون مندی حاکم بر اشکال مختلف حرکت اعتراضی توده های مردم است می تواند به تقویت عناصر مثبت و تضعیف جنبه های منفی جنبش انقلابی کمک کند.
- ۲- این تجارب به جهت وضعیت کم و بیش مشابه حاکم بر مناطق مختلف کشور عملا می توانند در خدمت جنبش در سطح جامعه قرار گیرند. ضمنا مسائل ویژه این مناطق و احیانا ملیت ها را نشان دهند.
- ۳- چنین تحلیلی بخصوص در صورتی که در دیگر شهرها و مناطق نیز انجام گیرد نه تنها با جمع بندی کلی مبارزات توده های خلق ایران مغایرت نداشته، بلکه عملا عناصر مقدماتی چنان تحلیلی را نیز فراهم می آورد.

خطری که در آغاز چنین اقدامی ممکن است براندیشه تحلیل گران سایه افکند در غلطیدن در گنداب گرایشات شوونیستی است که می تواند نقش مخرب و سکتاریستی را بر جنبش تحمیل و بالاقبل جنبش را در گیر با مسائل تنگ نظرانه ناسیونالیستی نماید. این نوشته که تحلیلی مقدماتی و صرفاً طرح گونه است با نواقص و نارسایی هایی نیز همراه است (استفاده کم از آمار و ارقام - مختصر و احيانا شتابزده بودن تحلیل و...). بدین امید که این نوشته گره ای هر چند کوچک از مسائل پیچیده و فراوان جنبش را باز نموده و در سطح تئوریک محرک کارهای مشابه گردد و به منظور ارج نهادن بر شهدای جنبش انقلابی به آنها تقدیم می گردد.

نگاهی کوتاه بر وضعیت اقتصادی - اجتماعی و اشکال خودانگیزگی خلق لرستان در گذشته

استان لرستان با جمعیتی بیش از یک میلیون نفر در غرب ایران و در کوهپایه های زاگرس قرار گرفته است. این استان که فاقد عناصر کافی برای تشکیل یک ملت است ، علیرغم مسائل و روابط خود بویژه وضعیت اقتصادی - اجتماعی مشابه با نواحی دیگر کشور داشته و در چارچوب مناسبات حاکم بر ایران (سرمایه داری وابسته) قابل تبیین است.

برخلاف پاره ای از تحلیل ها که ناشی از ذهنی گرایی و چشم بستن برواقعیت هاست ، مناسبات نیمه فئودال - نیمه مستعمره پس از رفرم سال ۴۱ از بین رفته و عناصر اولیه رشد سرمایه داری وابسته که قبل از رفرم جوانه زده بود به سرعت تحکیم و گسترش یافت. بدین سان اشکال جدید استثمار نضج گرفت و عوامل چنین استثماری در کنار نهادها و عوامل اجرایی دیکتاتوری - پلیس ، ساواک ، ژاندارمری ، گاردجنگل و...) که تحقق آن را امکان پذیر می ساخت در شهر و روستا ریشه دواند و برمال و جان توده های زحمتکش حاکم گردید. به همراه تلاشی و استحاله طبقات و روابط کهن ، طبقات و اقشار و مناسبات جدید امکان رشد یافتند. طبقه کارگر در بخش صنعتی در شهرهای خرم آباد و بروجرد (کارخانجات قند ، چرم و پوست ، پارسیلون ، مجتمع صنعتی گوشت ، تلمبه خانه ها و خطوط لوله ، نیروگاه های برق و...) و شهرهای دورود و ازنا (سیمان ، نفت و راه آهن) و در بخش ها کارگران کارگاه های پیشه وری ، ساختمانی و... در سطح استان رشد قابل ملاحظه ای نمود. بخش خدمات در شهرها وسعت یافته و همراه با نابودی اقشار سنتی خرده بورژوازی که در صنایع ورشوسازی ، تختخواب سازی ، جاجیم بافی ، گیوه دوزی و.. فعالیت می کردند ، قشرهای جدید خرده بورژوازی متولد گشته و رشد یافت. در روستا نیز قشربندی تکوین یافت و رعیت های گذشته هنوز « شوق جوان مالک بودن » را نچشیده و در سایه دیکتاتوری بمراتب خشن تر از استبداد بناپارتی ، به همراه خوش نشین های بی زمین به کارگران کشاورزی تبدیل شدند و یا راهی شهرها گشته و به خیل کارگران ساختمانی ، کارگران فصلی و بیکاره های شهری اضافه گشتند و این درشرایطی بود که قشرهای ویژه ای از مالکین هرروز مرفه تر شده و در کنار بورژوازی ارضی به غارت دسترنج توده های روستایی پرداختند. ممانعت دولت از بیلاق و قشلاق عشایر ، ملی کردن مراتع ، مالیات جابرانه بر احشام ، ایجاد شرکت های سهامی زراعی و واحدهای کشت و صنعت ، طرح های دولتی و به اصطلاح عمرانی نظیر آبخیزداری (در جنوب خرم آباد جهت کاهش رسوب خاک در سد دز) که عملاً با مصادره زمین ها همراه بود ، تضادها را در سطح روستا و مهاجرت را سرعت بخشید. بدین ترتیب در روندی نه چندان طولانی ستم سرمایه داری جایگزین ستم فئودالی گشت و هرگونه مخالفت با چنین نظمی به شدت سرکوب گردید. به جهت دیکتاتوری فاشیستی و سرکوب مداوم و به علت رشدنیافتگی تضادها به حد کافی (رشد تضادها نیازمند استقرار و گسترش مناسبات جدید در طی زمان می باشد.) نارضایی ها عمدتاً به اشکال منفی خودانگیزگی نمود می یافت. در روستاها ، کم کاری ، خرافه پرستی ، تسلیم و رضا ، رکود و خمود حاکم بود و در نارضایتی ها در عالی ترین شکل خود در قالب یاغی گری تجلی می یافت که در این ناحیه سنتی سابقه دار است. شیوع شاهنامه خوانی و اشعار و ترانه های حماسی که بیانگر نبردها و دلیری های روستاییان است شکل دیگری از تجلی کینه ها و خواست های حق طلبانه این مردم بوده و هست. بسیاری از آطن ترانه ها گویای ایستادگی و نبرد در مقابل رضاخان و سپهد احمدی است که دست به سرکوب خونین مردم این منطقه در سال های ۱۰-۱۳۰۴ زدند. در شهرها نیز این نارضایتی ها به شکل ابزارشکنی ، کم کاری و گاه بارقه هایی از اعتصاب (کارخانه سیمان) و احيانا تعطیل بازارها نمود می یافت.

اشکال و مراحل کنونی مبارزات

وضعیت اقتصادی و شرایط زندگی اسفناک توده های مردم بویژه پس از سرازیر شدن دلارهای نفتی و شدت یافتن بحران و سیر قهقرایی تورم پس از سال ۵۲، به عمیق تر شدن فاصله طبقاتی انجامید موجبات افلاس و ورشکستگی و فقر و بی خانمانی توده های محروم را فراهم آورد. عملکردهای جنبش نوین که از سال ۴۹ با رستاخیز سیاهکل در سطح جامعه انعکاس می یافت، گسترش مبارزات سایر خلق های جهان و پیروزی غرور آفرین خلق ویتنام و دیگر خلق ها، کامبوج، لائوس، آنگولا، موزامبیک و گینه که منجر به تغییر جناح حاکمه و نیز تغییر تاکتیک امپریالیسم به سرکردگی آمریکا گردید و به نوبه خود به نوعی در رشد مبارزات در میهن ما موثر افتاد.^۱ تمامی این عوامل باعث گردید که اشکال منفی خوددانیگختگی به حالات مثبت تبدیل شوند، مبارزات توده ها رشد و گسترش یابد و درگیری توده ها با اندام های مختلف سازمان های سیاسی حاکم بر جامعه و بویژه ارتش، اعتلای انقلابی مبارزات توده ها را تسریع کرد به نحوی که در ماه های اخیر، با اعتلای انقلابی چشمگیر و گسترش یابنده ای روبرو هستیم. اعتلای انقلابی که اکنون در این استان به چشم می خورد، آمیزه ای از تظاهرات خیابانی، راهپیمایی ها، اعتصابات کارگری و کارمندی، تعطیل بازارها و مدارس و نبردهای خیابانی همراه با جنگ و گریز و ایجاد موانع و باریکادهای خیابانی می باشد. نیروی فعال چنین حرکتی عمدتاً دانش آموزان و دانشجویان و اقشار پایین خرده بورژوازی و کارگران کارگاه های کوچک است. ما این اعتلای انقلابی را در سه مرحله مشخص مورد بررسی قرار می دهیم:

- ۱- مرحله گذار: جریانات اخیر هر چند بیانگر مرحله کیفی حرکات توده هاست ولی مانع از آن نیست که مرحله بینابینی در این ارتقای انقلابی را مشخص نماییم. مرحله اول این اعتلا نشان گر چنین حالت بینابینی است که از نظر زمانی اواخر سال ۵۶ و اوایل سال ۵۷ را شامل می شود. در این مرحله اعتراضات موضعی، ناپایدار و مقطع بود که به شکل عمده در جریانات دانش آموزان و تعطیل بازار و شعار نویسی پراکنده نمود یافت.
- ۲- مرحله دوم که به دنبال اوچگیری تظاهرات در ایران و بویژه پس از کشتارهای قم و تبریز و آبادان شکل یافت با حرکات خیابانی، تظاهرات پیگیر و راه پیمایی های با جمعیت انبوه مشخص شد، که اوج آن راه پیمایی عید فطر بود. در این مرحله نقش وسیع عناصر خرده بورژوازی و بار مذهبی - ملی حرکات و شعارها کاملاً به چشم می خورد. این مرحله با کشتارهای مرداد و شهریور پایان یافت.^۲
- ۳- مرحله سوم به دنبال کشتارهای مرداد و شهریور و تهاجم خصمانه و همه جانبه نیروهای پلیس و ارتش شروع شده و مشخصات زیرین را دارا بود:

الف- تبدیل حرکات و سبب و انبوه مردم به گروه های کوچک و پر تحرک، در این مورد به گفته فعالین، رهنمودهای سازمان فدائی که بلافاصله در خرم آباد تکثیر و پخش شد (این رهنمود بر لزوم تبدیل حرکات پر جمعیت به گروه های پر تحرک و کوچک تاکید می نمود) نقش موثری داشت. این گروه های کوچک در خیابان های مختلف به ایجاد بازیکادها و راه بندان های خیابانی پرداخته و ضمن انجام تظاهرات به جنگ و گریز با نیروهای انتظامی می پرداختند. گسترش این شیوه عمل باعث

^۱ علاوه بر عوامل فوق که در سطح کشور عمل می نمود، بازتاب جنبش نوین ایران در سطح استان که به شکل گیری محفل های مارکسیستی منجر شد، اعدام چریک فدایی احمد خرم آبادی و ایجاد گروه آرمان خلق و اعدام این رفقای انقلابی، کتیرایی، تره گل، طاهرزاده، حسین و ناصر کریمی و مدنی، اعدام و شهادت رفقای انقلابی سازمان چریک های فدایی خلق، حسن سعادی، هاشم باباعلی، تورج اشتری، غزال آیتی، فاطمه و عزت غروی و... و نیز شهادت رفقای مبارز خسروترگل و مجتبی خرم آبادی و دیگر انقلابیون این استان در سطح خاص در برانگیختگی نیروهای روشنفکری و تاثیرگذاری بر اذهان توده های شهری نقش مهمی ایفا نمود.

^۲ در این جریانات بخصوص در ۲۳ مرداد تعداد زیادی کشته و مجروح شدند منجمله حمید قربانی (دانش آموز) و علی گودرزی.

همه گیر شدن حرکات و ایجاد تحرک فراوان شد که به دنبال آن نیروهای کمکی گارد(یک یا دو گروهان) به خرم آباد اعزام و درگیری به مراحل حاد و خونین رسید. میزان تلفات در مقایسه با دیگر شهرها در این مرحله بسیار کم بود.

ب- حرکات تظاهراتی گروه های کوچک و پر تحرک حالت خصمانه به خود گرفته و با حمله به بانک ها ، دادگستری، ماشین های گارد و ارتش، شهربانی و کیوسک های پلیس و به آتش کشیدن آنها همراه بود.

ج- در این مرحله استفاده از بطری های آتش زا و کوکتل مولوتف هر چند کم ولی به هر حال شایع شد و با بدعت جالبی که استفاده از قلاخن بود همراه گشت. این مساله باعث افزایش توان نیروهای کوچک و پر تحرک و نتیجتا بالا رفتن روحیه انقلابی در شهر گردید. در یک روز بیش از ۳۰ نفر پلیس و گارد مجروح شدند که خبر آن در روزنامه ها درج گردید.

د- جهت یافتن و اوج گیری کینه ضد رژیم نیروهای مبارز که با پائین کشیدن عکس های شاه، شعارهای کاملاً رادیکال و رزمنده ، نامگذاری خیابان ها به نام شهدا و مبارزین و انقلابیون (خیابان خمینی، صمد بهرنگی، مصدق، بهروز دهقانی...) و بالاخره اقدام به پائین آوردن مجسمه که ناموفق بود(در بروجرد) و اعدام انقلابی عناصر ساواک و اطلاعات شهربانی منجمله عنصر مزدور اطلاعات شهربانی «نیرومند».

ز- مجموع این عوامل خصلت مذهبی- ملی و اعتدالی جنبش را در جهت مبارزات سازش ناپذیر تغییر داده و نقش رهبری کننده عناصر چپ را نشان داد.

شرایط فعلی تداوم مرحله سوم است که با جنگ و گریزهای خیابانی، ادامه اعتصاب معلمان، تعطیل دانشسراها و مدارس، بازار و بخصوص قابلیت انعطاف نیروها در ترکیب شدن به موقع نیروهای پراکنده و به راه انداختن تظاهرات و راه پیمائی های پر جمعیت و پراکنده شدن و تبدیل به گروه های پر تحرک و کوچک مشخص می شود. روزهای ۵ تا ۱۲ دی ماه نشانگر مرحله حرکات قهر آمیز بود که به دنبال یک رکود تقریباً پانزده روزه یعنی پس از جریانات عاشورا شکل یافت. در این روزها که با راه پیمائی معلمان و دانش آموزان و اعتراض پزشکان و دندانپزشکان شروع شده و آنگاه به حرکات تعرضی گروه های کوچک تبدیل شد اداره کشاورزی استان، چند ریو و ماشین ارتشی و ژاندارمری و به آتش کشیده شد و نبردهای خیابانی بعد بی سابقه ای یافت. کانون حرکات در این مرحله در خرم آباد به جنوب شهر یعنی درب دلاکان و ششم بهمن کشیده شد و در بروجرد در خیابان پهلوی و جعفری متمرکز گشت. در این روز حدود پانصد نفر در خرم آباد و بروجرد و کوهداشت مجروح شدند و تعدادی نیز کشته شدند.

شعارها و تحول آنها در مراحل جنبش

شعارها در این منطقه نیز از پویائی خاص برخوردار بود. در رابطه با مراحل مختلف جنبش تغییر یافته و متکامل تر و رزمنده تر شده است. در مراحل اولیه شعارها از انسجام خاصی برخوردار نبود و عمدتاً دارای جنبه مذهبی و کمتر مضمون سیاسی بود. شعارهای ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی به چشم نمی خورد و به تبعیت از بعد اعتدالی جنبش در این مراحل شعارها نیز اعتدالی محافظه کارانه و گاه دو پهلو بود. ولی به تدریج عامل آگاهی در جنبش نقش خویش را نشان داده و شعارهایی از قبیل (اتحاد، مبارزه، پیروزی)، (تو اگر برخیزی،....) متداول شد. و بالاخره در مراحل نهائی شعارهای «کارگران ، زحمتکشان ، متحد شوید»، « نان، مسکن، آزادی »، «یامرگ یا رهائی ، درود بر فدائی»، «آزادگان مملکت را یک بیک کشتند، خاموش نخواهند کرد فریاد ملت را ...» بر درو دیوار جای گرفت و در تظاهرات کوچک و بزرگ گفته شد. در این مرحله خواندن سرودهای انقلابی(ای رفیقان- پرچم دار زحمتکشان- کارگر، بزرگر) و گاه ترانه های محلی حماسی با شعرهای سیاسی و رزمی متداول گردید. بداهه سازی و بیان شعارهای اقتصادی و کارگری و رزمی به لهجه محلی بسیار به جا و با تاثیر گذاری فراوان همراه شد. در روز تاسوعا و عاشورا شعار « سازمان می دهیم، مسلح می شویم، فدائی می دهیم، پیروز می شویم» با حرکات ریتمیک پا و حالت دو همراه بود تحرک ویژه ای به تظاهرات داد. یکی از گروه های هوادار از این جریان به عنوان

رژه ارتش خلق در خرم آباد یاد کرد. در روزهای ۵ تا ۱۲ دی ماه شعارهای جدیدی در رابطه با حمایت از کارگران نفت» کارکر نفت ما- حامی سرسخت ما» ، زحمتکش- امریکا، اسرائیل نفت تورا می برد» و سنگینی مالیات و باج دولتی و دو آرم بزرگ سازمان چریک های فدائی خلق (در چهارراه بانک و خیابان شاه بختی) همراه با شعار» درود بر سازمان چریک های فدائی خلق- بازوی مسلح کارگران ایران» به چشم می خورد.

نقش روستائیان در جنبش انقلابی

توده های روستائی وضعیت دقیقاً همگونی نداشته و به صورت اقشار مختلف خرده مالکین متوسط الحال و تهی دست و خوش نشین های بی زمین، پرولتاریا و خرده بورژوازی ده هستند. جریان پیوسته مهاجرت اقشار پائین روستائی که عمدتاً نیروی جوان روستاها را شامل می شوند باعث پیر شدن چهره روستا، در موارد زیادی مخروبه گشتن آنها و بایر شدن زمین ها گردیده است. این توده ها تحت فشار شدید اقتصاد سرمایه داری وابسته قرار داشته و در موازادی که زمین هایشان از طرف شرکت های سهامی زراعی، کشت و صنعت و یا طرح های عمرانی مصادره شده است (نمونه روستاهای اطراف سد دز و اطراف طرح آبخیز داری که در مورد اخیر ۵۰ هزار هکتار از زمین های منطقه نوزیان خرم آباد عملاً از جانب دولت مصادره گردیده است) فشار را ملموس تر و عمیق تر درک می کنند. عشایر به علت ممانعت از بیلاق و قشلاق، ملی کردن مراتع، مالیات بر احشام و به علت رقابت گوشت خارجی و گرانی سرسام آور قیمت تمام شده گوشت در ایران در تضاد شدید با نظام حاکم هستند. تا کنون جنبش کمتر توجهی به این توده های زحمتکش روستائی نموده است. بنا بر این نزدیک شدن گروه ها و محافل انقلابی به روستا، شناخت وضعیت اقتصادی - اجتماعی و درک تضادهای عام و منطقه ای آنان و به کار گرفتن این امکانات عینی در برخورد با توده های روستائی و بردن آگاهی دمکراتیک به میان آنان واجد اهمیت اساسی است.

شرایط فعلی با تاثیر پذیری از جنبش در سطح کشور و شهرهای استان، در پاره ای از شهر روستاها و مراکز پخش (کوهدشت، الشتر، چغلوئندی، نورآباد و پل دختر) حرکات علیه رژیم صورت گرفته است که در برخی موارد بسیار شدید و خصمانه بوده است. در بعضی مناطق از پرداخت وام های شرکت تعاونی خودداری شده و برخلاف دستور اداره کشاورزی و تعاونی به کشت در کوهپایه ها پرداخته اند. زمزمه هایی در موزد حمله به شرکت های سهامی زراعی و باز پس گرفتن زمین ها شنیده می شود. در کنار این حرکات فعالیت هائی از جانب عناصر ارتجاعی و وابسته به رژیم در جهت تطمیع و گول زدن توده های روستائی و جهت دادن آنان علیه جنبش انقلابی به چشم می خورد. بخصوص یکی از این عناصر که از ملاکین سابق و سرمایه داران فعلی و دارای سوابق بسیار ننگینی است به شدت جهت تطمیع و کشاندن روستائیان به شهر و به کار گرفتن آنها علیه نیروهای انقلابی و مخالفین رژیم اقدام می نماید. این فرد که از خان های بسیار بدنام منطقه بوده و در سال ۱۳۲۴ با زدوبند باریس جیره بندی شهرستان خرم آباد و دزدی اموال عمومی مبالغ فراوان به جیب زده و در سال های بعد با دسیسه چینی و توطئه رژیم به نمایندگی مجلس رسید و در جریانات سال ۳۲ در جناح طرفداران شاه علیه دولت دکتر مصدق و مردم دست به اقدامات ننگینی زد که پس از کودتا به پاس همین خیانت ها به سهامدار کارخانه ای در اصفهان و دلال وزارت امور خارجه و کارچاق کن ادارات دولتی و یکی از عوامل ساواک تبدیل شد. این اقدامات می بایست مورد توجه کامل نیروهای مبارز قرار گیرد. همچنین به خاطر روابط زیاد و دائمی توده های روستایی با شهرها ۰ خرم آباد ، الیگودرز ، بروجرد ، دورود) چگونگی تماس و ارتباط با آنها و یافتن اشکال مستقیم و غیرمستقیم برای تاثیرگذاری بر آنها می بایست مورد توجه کامل باشد. باید دقت نمود که اعلامیه های معمولی که در شهرها پخش می گردد برای روستائیان غیرملموس و فهم آنان مشکل است و نتیجتاً باید به تهیه اعلامیه ها و تراکت های خاص برای آنان پرداخت. در هفته همبستگی بعضی از طوایف پشتیبانی خود را از مبارزین شهر اعلام نمودند.

جمع بندی تجارب

در این قسمت تجارب عامی را که محصول مرحله فعلی اعتلای انقلابی در این ناحیه است در دو بخش مورد بررسی قرار می دهیم:

- الف - نتایج و جنبه های مثبت جنبش که می بایست مورد تحکیم و تعمیم قرار گیرد:
 - ۱- تبدیل حرکات انبوه و پرجمعیت به گروه های فعال کوچک که تحرک نیروها را بالا برده و ضربه پذیری و تلفات را کاهش می دهد.
 - ۲- استفاده بجا از راه بندی های خیابانی ، باریکاد و لاستیک های مشتعل.
 - ۳- بکارگرفتن بدعت ها و ابتکارات جدید. فی المثل ذکر شعارها با لهجه محلی.
 - ۴- ایجاد گروه های هوادار.
 - ۵- ایجاد گروه های پزشکی سیار از جانب افراد آشنا با امور پزشکی در نقاط درگیری و تظاهرات و کمک به مصدومین.
 - ۶- نقش فعال و موثر دختران و زنان در تظاهرات.
 - ۷- نقش فعال خانواده ها در کمک به ایجاد باریکادها ، پناه دادن به تظاهرکنندگان و...
 - ۸- برخورد صحیح در مواجهه با عناصر راست و تفرقه افکن و اجتناب از زدوخورد و دادن شعارهای افشاگرانه نظیر « تفرقه و جدایی ، سلاح شاه خائن »
 - ۹- تاثیر مثبت جنبش در از بین بردن اختلافات بین محله ها و شهرها که توسط رژیم و عناصر ارتجاعی ایجاد و حفظ شده بود.
 - ۱۰- تاثیر حرکات بر عناصر لمپن در جهت مثبت.
 - ۱۱- شیوه های درست در برخورد با چماق بدست ها که آمیزه ای از تهدید و حمله و کارهای توضیحی بود (بخصوص در بروجرد)
 - ۱۲- اقدامات سریع و گروهی افراد بخصوص جوانان در همراهی و انتقال مجروحین و اهدای خون.
 - ۱۳- بکارگرفتن ضدتاکتیک ها ، منجمله در روزهای ۵ تا ۱۱ دی ماه که گارد از وانت بارها برای رسیدن به تظاهرکنندگان استفاده می نمود که بلافاصله نیروها اقدام به برداشتن چادر وانت بارها و تاکسی بارها در سطح شهر نمودند.
- ب: نکات منفی و مسائلی که نیروها می بایست بشدت از آن اجتناب ورزند:
- ۱- تاثیر منفی سنت نوحه سرایی که عملا شعارها را بشکل مرثیه خوانی درآورده و نتیجتا تاثیر قاطع و سیاسی آن را کم می کند.
 - ۲- استفاده از شعارهای لومپنی و فحش های رکیک به هیچ عنوان در شان نیروهای مبارز نیست.
 - ۳- متمرکز شدن عمده جریانات و شعارها (روی دیوار) در محله های معدود در خرم آباد و عدم توجه و یا توجه کمتر به محله های فقطنشین نظیر درب دلاکان و پشت بازار و راسته بروجردی ها در خرم آباد.
 - ۴- استفاده ناکافی از پلاکارد و شعارهای پارچه ای و عکس.
 - ۵- استفاده ناکافی از شعارهای توضیحی و تهییجی جهت روستاییان.
 - ۶- در این مرحله که از جانب اقشار و افراد سازشکار ندای تسلیم طلبی و سازشکاری بلند شده است ضرورت تاکید هرچه بیشتر بر شعارهای ضدسازشکاری در تظاهرات و جریانات خیابانی و شعارنویسی روی دیوار کاملا به چشم می خورد.
- در این مرحله می بایست شعارهایی نظیر « نه سازش ، نه تسلیم ، تنها ره رهایی جنگ مسلحانه » و « نه سازش سیاسی ، نه قانون اساسی ، تنها ره رهایی جنگ مسلحانه » و... تاکید نمود.

نقش گروه های هوادار ، هسته های انتشاراتی و هسته های دانش آموزان

گروه های هوادار و هسته های انتشاراتی و دانش آموزی که در مرحله کنونی جنبش انقلابی خلق ما شکل گرفته و ناشی از نیازهای مادی و معنوی جنبش می باشد می بایست با درک رسالت تاریخی خویش مبادرت به انجام هرچه سریع تر و دقیق تر وظایف خویش نموده و در راه رشد و اعتلای جنبش گام بردارد. تعداد این گروه ها در سطح استان بسیار کم است. در خرم آباد سه یا چهار گروه هوادار فعالیت نموده و در بروجرد و الیگودرز و دورود اساسا گروه هوادار و هسته های انتشاراتی وجود ندارد. آن چه که در مورد این اشکال خاص سازماندهی می توان گفت عمدتا در دو قسمت خلاصه می شود:

الف - انجام وظایف عامی که قبلا از جانب سازمان مشخص شده و مادر این جا به ذکر مجدد آن می پردازیم.

- ۱- شرکت فعال در حرکات مردم ، بردن شعارهای اساسی و انقلابی به میان آنها و هدایت و رهبری جریانات.
- ۲- ارتقای دانش تئوریک خویش و پخش آثار مارکسیستی - لنینیستی و اعلامیه ها و تراکت های متناسب با محل فعالیت.
- ۳- متمرکز نمودن نیروها در جهت برقراری رابطه ارگانیک و هرچه بیشتر با توده های مردم و بویژه طبقه کارگر به منظور جبران مهم ترین ضعف جنبش یعنی مسئله تشکیلات و عضوگیری عناصر آگاه کارگر و تشکیل هسته کارگری - روشنفکری و کارگری در این مرحله ضروری است. وظیفه اشاعه نظرات سوسیالیستی در بین کارگران را می بایست براساس شناخت این طبقه و سطح آگاهی آنان انجام داد. در این شرایط می بایست مسائل عام مارکسیستی و دانسته های سوسیالیستی را با زبان ساده و به نحو عامه فهم در اشکال مختلف کار توضیحی و ترویجی به میان آنها برد و در کنار آن مسائل و تضادهای عام و خاص آنها را که برایشان کاملا ملموس و مشخص است شرح داد و به آنها فهماند که سرمایه داری ، امپریالیسم ، دیکتاتوری ، انقلاب و... چیست. « نبرد خلق ویژه کارگران » الگوی مناسبی برای چنین کارهای ترویجی است.

۴- با توجه به این که مرحله انقلاب ایران را یک انقلاب دموکراتیک توده ای با هدف حل تضاد خلق با امپریالیسم می دانیم ، به این اصل معتقدیم که تنها طریق حل این تضاد و پیروزی و دوام انقلاب ، جنگ مسلحانه توده ای است ، می بایست از هم اکنون این نیروها را با ویژگی و مسائل چنین مبارزه ای آشنا نمود. تکثیر تجارب انقلاب های اکبر ، چین ، کوبا ، بخصوص ویتنام که برای خلق های ما نالمی آشنا و هم طراز با مبارزات قهرمانانه ضد آمریکایی است و همچنین تجارب جنبش های کنونی آسیا ، آمریکای لاتین و بخصوص مبارزات خلق های فلسطین و ظفار و بردن شعارهای جنبش مسلحانه ایران به میان مردم گامی اساسی در این مورد تلقی می گردد. به عبارت دیگر تبلیغ و ترویج ضرورت جنگ مسلحانه توده ای و اقدام در جهت تدارک آن وسیعا باید صورت گیرد. دائما و در هر گام باید به هر شکل ممکن بر ضرورت مسلح شدن و ارتقای دانش نظامی نیروها تاکید شود.

۵- علیرغم عقب نشینی و ضعف نسبی عوامل سرکوب و منجمله پلیس سیاسی (ساواک) توجه دقیق به حرکات و تاکتیک های آنها منجمله اقدام ساواک در تشکیل گروه های به ظاهر انقلابی (تشکیلات تهران ، سازمان رهایی بخش و...) ضروری است. رعایت مسائل ایمنی و داشتن پوشش های توجیه کننده و رعایت اصول مخفی کاری همچنان می بایست مورد توجه و رعایت قرار گیرد. حتی در شرایط حاکمیت دموکراتیک ، مارکسیست - لنینیست ها حق ندارند و نباید روابط سازمانی و تشکیلاتی را کلا علنی نمایند. آنها باید بیاموزند که چگونه می توان در شرایط مشخص کار مخفی را با کار علنی تلفیق نمود.

ب : مسائل خاص که در سطح استان و با جمع بندی کار گروه های هوادار تاکنون مشخص شده است:

- ۱- دقت بیشتر در انتخاب نام: پاره ای از این گروه ها نام هایی از قبیل گروه چریکی فلان و یا نهضت مسلحانه خلق ایران و.. انتخاب کرده اند که نامی فراتر از کارکرد محوله و شعاع عمل آنان است و پاره ای اساسا نام ندارند. منجمله فعال ترین این گروه ها تنها با آرم ستاره سرخ و گاهی ذکر گروه هوادار فعالیت می کنند.
- ۲- پخش آثار تکثیر شده و اعلامیه های سازمان و یا اعلامیه های مستقل خود این گروه ها در محله های فقیرنشین و کارگری، در صورت امکان باید مطابق فرهنگ قومی مردم و سطح دانش سیاسی و تلقی آنها از مبارزه ... و اشکال آن آثاری در توضیح بیانیه ها و نشریات سازمان انتشار یابد.
- ۳- تحلیل مداوم جریانات سیاسی و مسائل روز شهرستان و منطقه: در این مورد اقدامات گروه هوادار که آرم ستاره سرخ برای خود برگزیده است درباره اختلافات مذهبی و غیرمذهبی و اقدامات نفاق افکنانه کاملا بجا بوده است و می تواند الگوی مناسبی باشد. همچنین تحلیل گروه نهضت مسلحانه خلق ایران تحت عنوان « درس هایی از تجربیات نبرد پارتیزانی شهری خلق لرستان » علیرغم اشتباهات و شتابزدگی در تحلیل می تواند روشنگر و تاثیر گذار باشد. این اقدامات می بایستی گسترش یابد.
- ۴- نظر به هویت نیروهای روشنفکری در منطقه که برخلاف استان های دیگر عموما از محصلین و معلمین تشکیل شده اند، دبیران و آموزگاران هوادار می توانند و باید در سمت دادن حرکت دانش آموزان در جهت مصالح جنبش نقش کاملا موثری ایفا نمایند. گروه های هوادار باید راه های تشکیل کمیته ها یا انجمن هایی را که برای کنترل امور به اتکای نیروهای دانش آموزی، جستجو کرده، در مدارس چنین مجامعی را بوجود آورند. تا زمانی که مدارس تعطیل است باید روزهایی مشخص شوند و همه هواداران (هرچه بیشتر بهتر) در مدرسه گرد آیند و راه های گسترش ارتباطات بین شهرهای مختلف برای هماهنگ کردن حرکات، پلاکاردها، اقدامات رفاهی توده ای، تقسیم کارها مورد بررسی قرار گیرد. در مجامعی که به این طریق تشکیل می شود باید مسائل سیاسی روز جنبش مورد بحث و تفسیر جمعی قرار گیرد. تشکیل تربیون آزاد گامی بسیار مهم در ارتقای سطح آگاهی نیروهاست. در این مورد از رهنمودهای سازمان در مورد معلمین و دانش آموزان می توان کمک گرفت.
- ۵- گروه های هوادار باید نقاطی را در شهر برای نصب اعلامیه ها و نشریات سازمان و تمام نوشته ها و کارهایی که در رابطه با خط سازمان در سطح منطقه ای تهیه می کنند مشخص نمایند. باید از نشریات سایر نیروها قطع نظر از هویت ایدئولوژیک ایشان، به شرط این که جزو نیروهای مخالف رژیم باشند در محل نصب اعلامیه های سازمان نصب شده - هرچه غنی تر و جالب تر بهتر - فقط باید دقیقا روی نصب و خارج کردن نشریات خوانده شده نظارت مطلق داشت. دیوار باید در اختیار ما باشد. برای تفکیک خط باید نشریات نیروهای مختلف مجزا از هم و در کنار هم نصب شوند. حتی اگر نام هر جریان بالای محل مربوط به آن نصب شود مناسب تر خواهد بود. محل اصلی نصب نشریات در شهر باید درجایی انتخاب شود که امکان اجتماع و تدارک بحث و گفتگو هم باشد.
- ۶- اخبار، مسائل، رهنمودها و مباحثاتی که در سطح شهر یا منطقه مطرح است باید بصورت روزنامه های دیواری که با دست نوشته می شوند تنظیم و در محل نصب اعلانات نصب شوند.